
نوع گونه‌های حدیث‌نگاری نزد ایرانیان قرن ششم

فرشته کسری دهکردی*

پروین بهارزاده**

◀ چکیده:

حدیث شیعه در قرن ششم، همزمان با حکومت دولت سلجوقیان در ایران، دوران فترت خود را می‌گذراند. سبک‌های جدید نگارشی در دوران فترت کمتر رخ می‌نمایاند. بنابراین تألیفات شیعه در دوران سلجوقیان کمتر از دوره‌های پیشین انجام شده است. گونه‌های نگارشی این دوران در میان شیعه شامل اربعین‌نگاری، مناقب‌نویسی، فضایل‌نگاری ائمه، کتاب‌های دعا، مزارنویسی و تداوم برخی سبک‌های دوره‌های پیشین است. شاید اثر تخریبی سلجوقیان و هجوم اهل سنت به باورهای شیعی نیز در رویکرد مناقب‌نویسی مؤثر بوده باشد. در این دوره غریب‌نویسی و شرح‌نویسی و نوشتن تفاسیر روایی نیز رواج داشته است.

قرن ششم در میان اهل سنت، دوره پردازش‌های تکمیلی و جانبی کتاب‌های حدیثی است. در این مرحله اطراف‌نگاری، تخریب‌نویسی، جامع‌نویسی (کتاب‌های فراگیر) و مرتب‌سازی کتاب‌های پیشینیان رواج داشته است. گونه‌های غریب‌نویسی و شرح‌نویسی بر متون دینی و امالی‌نویسی بین عالمان اهل سنت و عالمان شیعه مشترک است.

در این سده، حوزه‌های حدیثی متعددی در ایران فعال بوده‌اند. به نظر می‌رسد که فعالیت محدثان شیعه در حوزه ری نمود بیشتری دارد. حوزه‌های حدیثی اهل سنت نیز در بیشتر مناطق سنی‌نشین خراسان پررونق بوده است و شیعیان در بعضی از شهرهای خراسان، همانند سبزوار اکثریت داشتند. مبادلات حدیثی بین شیعه و اهل سنت نیز در این دوران دیده می‌شود.

◀ **کلیدواژه‌ها:** حدیث، گونه‌های نگارشی، حوزه‌های حدیثی، ایران، سده ششم.

* دانش‌آموخته علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء / f.kasradehkordi@gmail.com

** استادیار دانشگاه الزهراء / bahar-p@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه

بعد از ظهور اسلام و پذیرفتن این دین توسط ایرانیان، تحولی بنیادی در نحوه تفکرات و زندگی آنان به وجود آمد. بی تردید ایرانیان در عرصه‌های گوناگون بهترین و بیشترین خدمات را به اسلام داشته‌اند. صحنه علم و فرهنگ، وسیع‌ترین و پرشورترین میدان‌های خدمات ایرانیان به اسلام است. با تبعی اجمالی در نگاه‌های علمی روشن می‌شود که اکثر آثار اسلامی، چه در رشته‌های مختلف علوم دینی و چه در رشته‌های دیگر به وسیله دانشمندان مسلمان ایرانی نوشته شده است.

یکی از میدان‌های خدمت ایرانیان به اسلام در صحنه علم و فرهنگ، فن حدیث یا فن استماع، قرائت، ضبط، جمع و نقل سخنان رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام است. محرک اصلی مسلمین به فراگیری و جمع و نقل احادیث، از یک طرف نیاز آنان به راهنمایی و فهم امور دینی بود و از سوی دیگر روایاتی که از پیامبر ﷺ با مضامینی چون ترغیب به «قیدوا العلم بالکتابه» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸)، «اکتبوا و لا حرج» (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۷۶)، «استعن بيمينک» (ترمذی، ۱۳۵۷ق، ج ۵، ص ۳۹) و... نقل می‌شد. خاندان پیامبر و پیروانشان در تدوین و کتابت حدیث پیشگام بودند. چنان‌که گفته می‌شد حضرت علی علیه‌السلام هیچ نکته‌ای را ننوشته نگذارد. (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۸)

نیمه اول قرن دوم، یعنی زمان امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام دوره اوج نقل و کتابت حدیث است و نام چهارهزار نفر برده شده که از محضر ایشان استفاده کرده (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۲۸۴) و زمینه‌ساز نگارش اصول اربعه مائة شدند. (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۰) در دوره بعد (اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم) تألیف جوامع حدیث رایج شد و کتب حدیث موجود امروز بین شیعه و سنی همین جوامع است. (مطهری، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۴۱۴)

اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان جوامع حدیث شیعه (کتب اربعه و دیگر جوامع) و نیز کتب جوامع، مسانید و صحاح اهل سنت، ایرانی بوده‌اند، اعم از دانشمندان ایرانی نژاد و یا عرب‌نژادانی که ایرانی شده بودند. (همان، ج ۱۴، ص ۳۴۲) اهتمام ایرانیان به علم حدیث که مستقیماً با متن اسلام مربوط بوده است در آثار فراوان باقی مانده

نمودی آشکار دارد.

این مقاله گونه‌های حدیث‌نگاری و حوزه‌های حدیثی ایران سده ششم را مد نظر دارد.

۱-۱. بیان مسئله

برخی قرن ششم را در تاریخ ادوار حدیث، همزمان با دوره رکود دانش‌های حدیثی شیعه دانسته‌اند. (مسعودی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۴-۴۶) این نوشتار در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا فعالیت‌های حدیثی در قرن ششم در ایران با توقف یا کاستی روبه‌رو بوده است؟ و اساساً این‌گونه فعالیت‌ها در چه قالب‌هایی سامان یافته است؟ از آنجاکه فعالیت‌های فرهنگی و علمی در هر جامعه‌ای به طور معنی‌داری با جریانات سیاسی حاکم ارتباط می‌یابد، بررسی وضعیت سیاسی ایران در قرن ششم می‌تواند روند شکل‌گیری فعالیت‌های فرهنگی را بازنماید.

قرن ششم همزمان با حکومت دولت سلجوقیان در ایران است، لذا نگاهی اجمالی به اوضاع ایران در دوره حکومت سلجوقیان ضروری به نظر می‌رسد.

۲. گستره جغرافیایی ایران در سده ششم

دولت ترکمانان سلجوقی یکی از وسیع‌ترین، قوی‌ترین و پایدارترین دولت‌هایی بوده که از سال ۴۲۹ق تا سال ۵۹۰ق که سال سقوط آخرین پادشاه سلجوقی است؛ یعنی بالغ بر صد و پنجاه سال در ایران حاکمیت داشته است.

گستره حکمرانی سلجوقیان قسمت عمده سرزمین خراسان بزرگ، ماوراءالنهر، کرمان، گرگان، مازندران، ری، همدان و فارس بوده است. در زمان آلب ارسلان (۴۵۶ق)، فتح ارمنستان صورت گرفت و گرجستان و ابخاز^۱ جزو قلمرو سلجوقیان گردید. همچنین، سپاهیان سلجوقی در شمال تا خوارزم پیش رفتند و در شرق به بلخ رسیدند (۴۵۸ق). بیت‌المقدس را نیز در سال ۴۶۳ق و شام را در سال ۴۷۲ق و دیاربکر (یکی از شهرهای کردستان ترکیه) را در سال ۴۷۷ق تسخیر کردند. پس از آن سپاهیان سلجوقی به انطاکیه رسیدند و دو سال بعد حلب نیز به تصرف ملک‌شاه درآمد. ماوراءالنهر نیز در سال ۴۸۲ق تسخیر شد و سمرقند و اوزکند^۲ و کاشغر^۳ تحت تسلط آن‌ها قرار گرفت. گویا تنها مصر و شمال آفریقا و بلاد مغرب، در قلمرو حکومت آنان

نبوده است. (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۷۶-۲۷۷، ر.ک: نقشه ضمیمه)

در طول تاریخ، ایران بسیاری از سرزمین‌های خود را از دست داد که می‌توان گفت از واگذاری بخش‌های غربی در ترکیه و عراق امروزی به امپراتوری عثمانی در سال ۹۴۰ ق (۱۵۳۳) آغاز گشت. از این‌رو در قرن ششم، مناطق ترکیه، عراق، حله، بغداد، کوفه، موصل، نینوا و... در جغرافیای ایران قرار داشته‌اند. در این مقاله ملاک ایرانی بودن محدث، تولد و زیست وی در همین منطقه جغرافیایی است.

۲-۱. موقعیت سیاسی اجتماعی ایران در سده ششم

پادشاهان سلجوقی در گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی و سخن‌پارسی و تشویق و ترغیب شعرا و نویسندگان فارسی‌زبان کوشش فراوان کردند. دوره سلجوقیان از جهت تعداد گویندگان و سرایندگان از درخشان‌ترین ادوار تاریخی و ادبی ایران به شمار می‌رود. سلاجقه زبان فارسی را زبان رسمی و درباری قرار دادند. زبان فارسی در این عصر رواج کامل یافت. اکثر پادشاهان این خاندان با وجود اینکه خود ترک‌زبان بودند، در بسط و نشر فرهنگ و تمدن ایرانی و شعر و آثار ادبی فارسی و تشویق و ترغیب شعرا و نویسندگان فارسی‌زبان کوشش فراوان کردند. تأسیس مدارس نظامیه در بغداد، بلخ، نیشابور، اصفهان و ایجاد کتابخانه‌ها و خانقاه‌ها و مدارس مختلف، اسباب عمده رواج تمدن اسلامی در این عصر به شمار می‌رود. (دبیری‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۶۰)

از لحاظ سیاسی با پیشرفت دولت سلجوقی و تشکیل یک دولت واحد متمرکز و از بین رفتن حکومت‌های محلی، رقابت‌های مذهبی شدت بیشتری یافت. پادشاهان تازه‌مسلمان سلجوقی و غالب خلفای بغداد حنفی‌مذهب بودند و وزیر ایشان نظام‌الملک که شافعی‌مذهب بود، سعی نمود با محدود کردن دامنه فعالیت سایر مذاهب یک وحدت مذهبی در سراسر قلمرو سلجوقیان ایجاد کند. در این دوره، حکومت سنی‌مذهب بغداد از سقوط نجات یافت و از پیشرفت شیعیان در مصر و عراق و شام و فارس و خراسان جلوگیری به عمل آمد. با تأیید و پشتیبانی ارکان دولت، این دوره دوره کمال قدرت و اشاعه مذاهب اهل سنت است. (زیدان، ۱۳۸۴، ص ۸۲۲)

عصر سلجوقیان اگرچه از دیدگاه نظامی و گسترش قلمرو سرزمین‌های اسلام

پیشرفت‌هایی در پی داشت، دورهٔ افول گروه‌ها و جریان‌های خردگرا و خردورز بود. این گروه‌ها و جریان‌ات، شیعیان امامی اثنی‌عشری و اسماعیلیان و نیز معتزلیان بودند که به شدت مورد مخالفت و دشمنی خلفا، سلاطین، امیران، وزیران، علما و فقهای اهل سنت و حتی صوفیان و عارفان قرار گرفته و سرکوب شدند.

اسماعیلیان واکنش شدیدی علیه وضعیت حاکم بر جامعهٔ اسلامی نشان دادند. آن‌ها با اتخاذ سیاست‌های تند در دو عرصهٔ نظامی و فرهنگی فعالانه ظاهر شدند و با برداشتن سلاح و تبلیغ مرام و مسلک خود به مقابله به مثل با سایر گروه‌های اهل سنت پرداختند. اما شیعیان امامیه برای حفظ خود و کاستن از فشارهای سیاسی گروه‌های اهل سنت، دست به اقداماتی زدند که به نوعی تاکتیک حرکت سیاسی فرهنگی ایشان به شمار می‌آید. از جمله نفوذ در ساختار قدرت و به دست آوردن پست‌های کلیدی حکومت وقت، همراهی با فرق اهل سنت در مخالفت با اسماعیلیان، تقیه در شرایط سختی و فشار، تلاش در وارد نشدن در منازعات فرقه‌ای و عدم مقابله به مثل در شرایط حساس، تبلیغ و نشر مکتب امامیه و جلب پیروان بیشتر. (اسکندری فرد، ۱۳۹۱، ص ۱۹)

۳. تأثیر وضعیت سیاسی اجتماعی عصر بر فعالیت‌های حدیثی

تسلط ترکان سلجوقی بر بغداد در نیمهٔ قرن پنجم، موجب ازهم‌پاشیدگی حوزهٔ شیعی بغداد شد. حوزهٔ شیعی بغداد پیش از این در زمینهٔ فقه، کلام و حدیث، مبانی و معیارهایی نو وضع کرده بود و شادابی و نشاط فراوان داشت. پس از قدرت گرفتن سلجوقیان، این تحرک علمی از میان رفت و به رکود و سکون گرایید. سلجوقیان که تا اواسط قرن هفتم به حکومت‌داری مشغول بودند، بغداد را برای شیعیان ناامن ساخته بودند. همین وضعیت موجب شد شیخ طوسی به نجف هجرت کند و حوزهٔ نجف را بنیان نهد. بدین سبب در قرن ششم و نیمهٔ اول قرن هفتم وضعیت اجتماعی و سیاسی برای فعالیت شیعیان مناسب نبود. خفقان و سخت‌گیری سیاسی و اجتماعی سبب پدید آمدن نوعی رکود در این حوزه و حوزه‌های دیگر شیعی شده بود. وضعیت شیعیان در مناطق دیگر نیز چندان مناسب نبود. ایوبیان (صلاح‌الدین ایوبی و...) که در نیمهٔ قرن ششم بر مصر مسلط شده بودند، سلسلهٔ فاطمیان را برانداختند و شیعه‌ستیزی را آغاز کردند. ایوبیان با سخت‌گیری بر شیعیان مصر موجب از بین رفتن این تفکر در سرزمین

مصر شدند. (حسینی جلالی، بی تا، ج ۱، ص ۵۴۸)

در مجموع می توان گفت که در این دوران، جامعه شیعی در وضعیت مناسبی به سر نمی برد. نامساعد بودن فضای سیاسی و اجتماعی موجب پدید آمدن روحیه سرخوردگی در محیط علمی جامعه شیعی شد. پس از سال های ۴۵۰ هجری، نگارش های مهم و اثرگذار در جامعه شیعی کمتر به چشم می آید. این تنها وضعیت علم حدیث نبود، بلکه دیگر علوم نیز وضعیتی این چنین داشتند. تا سالیانی دراز پس از شیخ طوسی، فقیه صاحب نظر و مشهوری در میان عالمان شیعه وجود نداشت؛ از این رو، این زمان را دوران مقلده، یعنی دوران حضور عالمان پیرو شیخ طوسی نامیده اند. سوگمندها باید گفت: این تلاش و کوشش درخور جامعه عظیم و فرهیخته شیعی نبود. در طول این دوران، تألیفی مؤثر و ماندگار پدید نیامد. (طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷-۱۳۹)

در قرن ششم، برای اهل سنت نیز رکود نسبی در حدیث اتفاق افتاد. اما اهل سنت به صورت رسمی از ابتدای قرن دوم احادیث نبوی را نوشته بودند و در قرن سوم کتب حدیثی ایشان معروف به صحاح سته تألیف شد. از قرن چهارم به بعد تلاش محدثان اهل سنت به توسعه بخشی به علوم حدیث و احیای آثار حدیثی قدیمی معطوف شد. (معارف، ۱۳۸۳، ص ۳۷)

۴. گونه های نگارشی حدیث نزد ایرانیان شیعه در سده ششم

راویان و محدثان فرهیخته از همان سده های نخست هجری بر نگارش و گردآوری روایات اهتمام می ورزیدند و رهاورد تلاش های ایشان، نگارش صدها اثر روایی است. با نیم نگاهی به نگارش های پیشینیان می یابیم که شیوه های تدوین آثار روایی بسیار گوناگون است. این گوناگونی بنا به نیاز زمانه، انگیزه و گرایش های نویسنده و عواملی مانند سلیقه مخاطبان پدید آمده است. سبک های نگارشی کتاب های حدیثی همزمان با کتابت و تدوین نوشتارهای حدیثی آغاز شده اند، زیرا برخی مؤلفان حدیث، قالبی را هر چند ساده برای کتاب حدیثی خود برگزیده بودند.

بنابراین مقصود از سبک نگارشی شناخت قالب های از پیش تعیین شده مؤلفان و مصنفان در چینش احادیث به هنگام ارائه آن ها و به تعبیر دیگر شناخت شیوه نگارشی

حدیث‌نگار است. (غلامعلی، ۱۳۸۸ش، ص ۴)

آثار و کتب حدیثی که شیعیان در قرن ششم تألیف کردند در دو محور قابل بررسی است: الف. تألیفات محدود حدیثی شامل اربعین‌نویسی، مناقب‌نویسی، جمع احادیث مربوط به دعا، جمع‌آوری احادیث مربوط به اخلاق و آداب و...؛ ب. توسعه و تکمیل تفاسیر نقلی. (معارف، ۱۳۷۷، ص ۴۱۵)

۴-۱. اربعین‌نگاری

گردآوری چهل حدیث در یک موضوع واحد را اربعین‌نویسی یا اربعینیات گویند. حدیث نبوی مشهور «من حفظ من امتی اربعین حدیثاً بعثه الله يوم القيامة فقیها عالماً» (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۵۴۱ و ۵۴۲) مهم‌ترین انگیزه پیدایی نگارش‌های اربعین‌نویسی است. حدیث حفظ چهل حدیث با نقل صحیح از پیامبر ﷺ مشهور است. این مضمون مشهور و مستفیض گرچه می‌تواند شامل حفظ در ذهن، یا حفظ از طریق تدبیر در فهم مقصود حدیث یا حفظ به واسطه عمل باشد، ظاهرترین مصداق آن کتابت حدیث پیامبر ﷺ است. چنان‌که سیره بزرگان بر تألیف کتاب‌های چهل حدیث جاری شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۸) این سنت به زبان‌های عربی و فارسی در میان محدثان و دانشمندان اسلامی اهل سنت، شیعیان و اهل تصوف با موضوعات کلامی، حدیثی، تفسیری، عرفانی، تاریخی، اجتماعی و اخلاقی رواج داشته است.

اگرچه هدف اساسی از نگارش اربعین به اجرا درآوردن فرمان پیامبر ﷺ و بهره‌مند شدن از پاداش‌های اخروی است، اهداف دیگری نیز مدنظر بوده است که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

۱. حفظ احادیث پیامبر ﷺ و جلوگیری از اندراس و نابودی آن به وسیله نوشتن، مصون داشتن احادیث از تغییر و احتمال تحریف.
۲. از آنجاکه نگارش اربعین معمولاً با گزینش احادیث همراه بوده است، این خود می‌تواند عاملی برای پیراستن احادیث و زدودن روایات جعلی و ساختگی باشد.
۳. انتخاب احادیث غالباً با بررسی‌های رجالی همراه بوده است؛ از این رو معمولاً پر محتواترین و متقن‌ترین روایات برای کتاب‌های اربعین برگزیده می‌شده است.

۴. چون بعد از گزینش احادیث، معمولاً الفاظ و عبارات مشکل آن در آغاز شرح و پس از آن به توضیح و تفسیر معانی و مضامین حدیث اقدام می‌شده است، این خود یک دوره نسبتاً کامل فقه الحدیث به حساب می‌آید که از بخش‌های مهم و اساسی معرفة الحدیث است. (عاشوری، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷۰)

از شاخص‌های اربعین‌نویسی در سده ششم، تنوع موضوعی آن‌ها، توجه به مسائل کلامی، پرداختن به موضوع جهاد و نیز مناقب و فضایل امام علی علیه السلام بوده است. (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۲، ص ۳۱، ۴۱، ۱۸۶؛ ج ۳، ص ۴۴، ۱۹۷، ۲۰۲ و ۳۷۳)

در کتب فهرس و تراجم در قرن ششم از بیش از ده اثر اربعین‌نگاری شیعی و سه اثر اربعین‌نگاری اهل سنت نام برده شده است؛ به دلیل رعایت اختصار تنها به نام چند اثر بسنده می‌شود:

- اربعون حدیثاً فی مناقب (فضائل) امیرالمؤمنین، تألیف محمد بن ابی مسلم بن ابی الفوارس رازی، از کهن‌ترین اربعین‌های شیعی است. از ویژگی‌های این اربعین، ذکر محل و تاریخ سماع احادیث است. (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۷/مهریزی و صدراپی، ج ۱، ۶۴-۶۷)

- سلسله‌الابریز بالسند العزیز، تألیف ابو محمد شرف‌الدین حسن بن علی بن ابی طالب حسینی علوی بلخی (م ۵۳۲ق) (شیعه زیدیه) مشتمل بر چهل حدیث اخلاقی که با سلسله سند همراه است. (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۲ش، ص ۱۳۳)

و برای نمونه‌های دیگر ر.ک: آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۳۳.

۴-۲. مناقب‌نگاری و فضایل‌نگاری

مناقب‌نگاری یکی از سبک‌های تألیف در حوزه تدوین حدیث است. تاریخچه نگارش در این حوزه به سده‌های نخستین تاریخ اسلام برمی‌گردد. در این دسته از روایات از برتری یک فرد یا گروه بر دیگر افراد و گروه‌ها در یک یا چند زمینه سخن به میان آمده است. در بحث مناقب و فضایل، جنبه‌های گوناگون مناقب فردی، گروهی، قبیله‌ای و ملیتی و... مطرح شده است.

صدور احادیث نبوی در منقبت و فضیلت اهل بیت انگیزه‌ای شد برای محبان ایشان تا در کشاکش فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی تاریخ اسلام به نگارش کتاب‌ها و رساله‌هایی در منقبت و فضیلت اهل بیت دست زنند. بنابراین نویسندگان شیعه بر پایه اعتقادات خویش، بر حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام، به جمع‌آوری احادیثی در تأیید فضایل ایشان اقدام کردند. در این‌گونه کتاب‌ها به کرامت‌ها و خصوصیات که نشانگر برتری امامان بوده، اشاره شده است. بسیاری از این آثار با انگیزه سیاسی و فرقه‌ای انجام شده و به گونه‌ای در مقابل سبک فضایل نویسی اهل سنت نگارش می‌یافتند. (اصغرپور، ۱۳۸۶ش، ص ۲۶۵ و ۲۶۶)

مناقب‌نویسی تقریباً از سبک‌های اختصاصی شیعیان است و بیشتر کتاب‌های مناقب شیعه بیان منقبت‌های اهل بیت است. برخی دلیل رواج منقبت‌نگاری در سده ششم را رواج تفکر نقل‌گرا و افول تفکر عقل‌گرا دانسته‌اند. در این دوران گروه معتزله نابود شد و تفکر اهل حدیث رونق گرفت. شیعیان نیز از این روش برای پیشبرد آرمان‌های خویش استفاده کردند. شاید اثر تخریبی سلجوقیان و هجوم اهل سنت به باورهای شیعی نیز در این رویکرد مؤثر بوده باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۴۰)

برخی از این‌گونه حدیث‌نگاری در میان ایرانیان شیعه در سده ششم عبارت است از: - مناقب آل ابی‌طالب تألیف ابن شهر آشوب (۴۸۸-۴۸۹ق)؛ مشهورترین اثر در مناقب‌نگاری این دوره بوده که برگرفته از ده‌ها کتاب اهل سنت در منقبت‌نگاری امامان است. (حسینی جلالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰۲)

- عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام‌الابرار مشهور به العمدة، تألیف یحیی بن حسن اسدی حلّی، معروف به ابن بطر (م ۶۰۰ق). (همان، ج ۱، ص ۶۲۲)

- خصائص الوحی المبین باز هم تألیف یحیی بن حسن اسدی حلّی درباره مناقب حضرت علی علیه‌السلام (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۷۵)

- الثاقب فی المناقب تألیف ابن حمزه طوسی (م ۵۶۰ق). (حسینی جلالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷۷)

- الخرائج و الجرائح تألیف قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق). (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۴۵)

- درر المناقب تألیف شاذان ابن جبرئیل قمی. (افندی اصفهانی، بی تا، ص ۱۶۱)
و برای نمونه‌های دیگر ر.ک: آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۲۰، ص ۱۲۵؛ ج ۵، ص ۵۰۴؛
ج ۲۲، ص ۳۱۷ و ۳۱۸/ حسینی جلالی، بی تا، ج ۱، ص ۵۷۴.

۳-۴. ادعیه و مزار نویسی

اهمیت دعا و نقش آن در سازندگی انسان همواره مورد توجه علما و دانشمندان شیعه بوده است. دعا اگرچه سخن گفتن با خداست، همچنین سخن گفتن با خود و جامعه است. دعا در اسلام به جز دعا‌های قرآنی که عین وحی است، بیان دیگری از آموزه‌های فردساز و جامعه‌ساز الهی است. از همان قرون اولیه، این سیره متداول بوده و بیشتر مؤلفان شیعه و برخی از مؤلفان سنی نسبت به نگارش مجموعه‌هایی که حاوی ادعیه و ارتباط با خدا باشد، همت گماشته‌اند. این مجموعه‌ها بیشتر ماثور بوده و دعا‌های آن از جانب معصومان (علیهم‌السلام) به دست ما رسیده است.

کتاب‌های دعا از دیدگاه کلی به چند دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کتاب‌هایی که فقط مشتمل بر دعاها بوده و به تناسب تقسیم‌بندی مؤلف و موضوع ادعیه ترتیب یافته باشند؛ ۲. کتاب‌هایی که درباره آداب دعا نوشته شده است؛ ۳. کتاب‌هایی که به نحوی مربوط به امور طلسمات شده و در آنها از ادعیه و تعویذات بهره گرفته شده؛ ۴. کتاب‌های مربوط به استخاره؛ ۵. کتاب‌هایی که به عنوان کتاب صلوات نگارش یافته است؛ ۶. کتاب‌های مشتمل بر زیارات که از همان آغاز پیوسته به کتاب‌های دعا بوده و از آن به عنوان کتاب المزار یاد شده است. (جعفریان، ۱۳۷۹، دفتر اول، ص ۳۶۴)

تعداد نگارش‌های شیعیان در این سبک به مراتب بیشتر از اهل سنت بوده و می‌توان ادعا کرد که آثار دعایی اهل سنت کمتر از یک‌دهم آثار شیعیان است. برخی از این‌گونه آثار شیعی عبارت است از:

- الأدب الدینیة للخزانة المعینیة تألیف ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق).

(آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸)

- الدعوات تألیف قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق). (حسینی جلالی، بی تا، ج ۱،

ص ۵۸۷)

- مزار تألیف قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق). (آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۲۲)

و برای نمونه‌های دیگر ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۹۷ و ج ۲۰، ص ۳۲۴/امین، سیدمحسن، بی تا، ج ۶، ص ۱۲۱.

و دو نمونه از مؤلفات ایرانی اهل سنت در سده ششم که دارای مجموعه‌های حاوی ادعیه بوده‌اند، عبارت‌اند از: *المصطفی و المختار فی الادعیه و الاذکار اثر ابن اثیر جزری شافعی* (م ۶۰۶ق) (بغدادی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ستون ۳) و *کتاب الادعیه المرویه عن الحضرة النبویه نوشته عبدالکریم بن محمد سمعانی مروزی* (م ۵۶۲ق). (حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ق، ستون ۱۴۱۸)

۴-۴. تک‌نگاری

محدثان و راویان براساس استعداد، ذوق و سلیقه‌های شخصی به گردآوری موضوعی احادیث پرداخته و روایاتی را که از همگونی و هم‌نوایی ویژه‌ای در یک موضوع برخوردار بود، در یک مجموعه گرد آورده و بدین سان تک‌نگاری موضوعی شکل گرفت. در این مرحله اهتمام راویان تنها حفظ حدیث نبود، بلکه می‌کوشیدند تا مخاطبان خویش را از مراجعه به دیگر کتاب‌ها مستغنی کنند. بسیاری از تک‌نگاری‌های مهم در یکی از سه موضوع فقه، اخلاق و آداب، کلام و عقاید شکل گرفته‌اند. (غلامعلی، ۱۳۸۸، ص ۸۰) برخی از این آثار عبارت‌اند از:

۴-۴-۱. تک‌نگاری‌های فقهی

عده‌ای از علما و محدثان شیعه در این دوره به جمع احادیث فقهی و استخراج احادیث صحیح و حسن و موثق فقهی پرداخته و آثاری را به منصف ظهور رسانده‌اند. بعضی از این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

- *قضاء حقوق المؤمنین* تألیف شیخ سدیدالدین ابوعلی بن طاهر صوری (زنده در سال ۵۸۵ق). (بروجردی، ۱۳۸۷، ج ۲۲، ص ۳۵)

- *الحکم و الاحکام من کلام سید الانام* تألیف عبدالواحد بن محمد تمیمی الأمدی (م ۵۵۰ق). (همان، ج ۲۲، ص ۳۶)

- *فقه القرآن* تألیف قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق). (همان، ج ۲۲، ص ۳۷)

- *غنیة النزوع*، تألیف ابن زهره حلبی (م ۵۸۵ق) ترجمه‌شده به فارسی به نام *مُعْتَمَد الامامیه*. (آقابرگ تهرانی، بی تا، ج ۱۶، ص ۶۹)

و برای نمونه‌های دیگر ر.ک: بروجردی، ۱۳۸۷، ج ۲۲، ص ۳۵، ۳۶ و ۴۰ / موسوی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷.

۲-۴-۴. تک‌نگاری اخلاقی

بیان گفتارهای اخلاقی و موعظه‌ای از سوی معصومان علیهم‌السلام، در طول دوران حضور کاملاً آشکار است. توجه امامان به ضرورت بازسازی معنوی شیعه سبب شد تا احادیث اخلاقی در تمام دوران حضور صادر شود. دانشمندان شیعی هم با درک چنین ضرورتی به تألیف کتاب‌هایی در موضوعات اخلاق، آداب معاشرت، تهذیب نفس و ... اقدام کردند.

البته باید دانست که تک‌نگاری‌ها در تمام دوره‌ها عرضه می‌شده است. (غلامعلی، ۱۳۸۸، ص ۸۲)

در قرن ششم تک‌نگاری‌های اخلاقی زیبایی از جمله مکارم الاخلاق، تألیف حسن بن فضل طبرسی (م ۵۴۸ق) و مشکاة الانوار تألیف ابوالفضل علی بن حسن طبرسی به عنوان ذیلی بر کتاب مکارم الاخلاق پدرش و روضة الواعظین و بصیرة متعظین تألیف فتال نیشابوری (م ۵۱۴ق) انجام شده است. (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۵۶ و ج ۲۲، ص ۱۴۶ / سبحانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۵۷)

۳-۴-۴. تک‌نگاری کلامی

از نیمه دوم قرن اول، گروه‌های متعدد کلامی یکی پس از دیگری تولد یافتند. ظهور این گروه‌ها معمولاً پس از حوادث گوناگون رخ می‌داد. بیشتر فرقه‌ها انشعابات درون دینی یک گروه بود. علاوه بر این انشعابات، برخی از عقاید و افکار الحادی و کفرآمیز بیگانگان نیز به جوامع اسلامی راه یافته بود. بنابراین گروهی که اعتقادات سستی داشتند به این گروه‌ها پیوسته بودند. امامان شیعه به عنوان پرچم‌داران میدان اعتقادات با هرگونه افکار انحرافی به مبارزه پرداختند. یکی از روش‌های مبارزاتی ایشان مناظره با سران مذاهب گوناگون بود. راویان و محدثان، فرصت را غنیمت شمرده و به ثبت و ضبط بیانات و مناظرات معصومان می‌پرداختند. ره‌آورد این تلاش ارزشمند، نگارش کتاب‌های کلامی بود. کتاب الاحتجاج تألیف ابومنصور احمد بن علی ابن ابی‌طالب طبرسی (م ۵۲۰ق) از مشهورترین تک‌نگاری‌های کلامی در قرن ششم شناخته می‌شود.

(غلامعلی، ۱۳۸۸، ص ۸۹)

۵-۴. نگارش و توسعه و تکمیل تفاسیر نقلی

تفسیر روایی تفسیری است که دربردارندهٔ مجموعه احادیثی در تبیین و توضیح آیات قرآنی است. این گونه احادیث می‌تواند بیانگر شأن نزول، چگونگی قرائت، تأویلات و تفسیر معانی آیات باشند. (مسعودی، ۱۳۹۱ش، ص ۲۷۲) گرایش به تفسیر روایی در میان مفسران شیعه به دلیل علاقه به روایات خاندان عصمت و طهارت شایان توجه است. همین وابستگی اعتقادی بوده که بسیاری از مفسران شیعه را به اتخاذ مبنای تفسیر روایی و اعتقاد به انحصار فهم قرآن از طریق اهل بیت علیهم‌السلام کشانیده است. (معارف، ۱۳۷۷، ص ۴۱۸)

از مهم‌ترین تفاسیر مأثور نگاشته‌شده توسط ایرانیان شیعه در قرن ششم می‌توان از *روض الجنان و روح الجنان*، معروف به تفسیر ابوالفتوح رازی تألیف جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی نیشابوری، *التنویر فی معانی التفسیر* تألیف شیخ ابوعلی محمد (م ۵۶۵ق) فرزند حسن بن علی فتال نیشابوری معروف به ابن فارسی، *خلاصة التفسیر و ام القرآن* هر دو تألیف قطب‌الدین راوندی و تفسیر *عزالدین راوندی* نام برد. (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۶۹/ایازی، ۱۳۸۱ش، ص ۷۰ / دایرة‌المعارف تشیع، ج ۴، ص ۱۱۴ و ۱۱۵)

۶-۴. شرح نویسی بر متون دینی

سنت شرح‌نویسی بر متون دینی قدمتی طولانی دارد. در تاریخ اسلام، پس از قرآن کریم که اصلی‌ترین و اصیل‌ترین منبع تمامی مسلمانان به شمار می‌رود، تقریباً هیچ کتاب مقدس دیگری بسان *نهج‌البلاغه* مورد شرح و تفسیر قرار نگرفته است. شارحان با انگیزه‌های گوناگون اقدام به شرح‌نویسی می‌کرده‌اند: توضیح واژگان دشواریاب، شرح مبانی کلامی، فلسفی مورد نظر، تحلیل و تبیین حوادث تاریخی که به اجمال ذکر شده‌اند، ذکر نکات ادبی و بلاغی، استفاده و عطف‌گونه و اخلاقی از متون دینی و به تعبیری کمک به گسترش فرهنگ معنوی، نقل و نقد آرای شارحان پیشین، نقد و بررسی اسنادی و اثبات صحت روایات و حتی اثبات قدرت علمی نویسندگان شرح، در زمرهٔ این انگیزه‌ها به شمار می‌روند. (بروجردی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲۶)

از شروح ایرانیان شیعه در قرن ششم به دو نمونه شرح نهج البلاغه سید فضل الله راوندی تألیف تاج الاسلام سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل الله بن علی راوندی (امین، سید محسن، بی تا، ج ۸، ص ۲۴۵) و منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه تألیف قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) (آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۲۳، ص ۱۵۷) اشاره می شود. (برای نمونه های دیگر ر.ک: همان، ج ۶، ص ۲۸۵؛ ج ۱۴، ص ۱۱۵ و ج ۲۱، ص ۱۸۴)

۵. گونه های نگارشی حدیث نزد ایرانیان اهل سنت در سده ششم

سده سوم هجری دوران شکوفایی تدوین حدیث نبوی در میان محدثان اهل سنت است. هدف حدیث نگاران در این دوره بیشتر حفظ احادیث و انتقال میراث روایی به قرن های بعد بود؛ از این رو در میان آثار علمای اهل سنت برخی گونه های مشابه عالمان شیعی مشاهده می شود از جمله:

۱-۵. اربعین نویسی

از مهم ترین اربعین های نوشته شده توسط ایرانیان اهل تسنن در سده ششم می توان از دو کتاب زیر نام برد:

- اربعین البلدانیة تألیف ابوطاهر احمد بن محمد سیلفی اصفهانی (۵۷۶ق)؛ ظاهراً نخستین اثری است که به این شیوه نگاشته شده است (بغدادی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ستون ۸۷)
 - اربعین المتتمی تألیف ابوالخیر احمد بن اسماعیل الطالقانی القزوینی الشافعی (م ۵۹۰ق). (حسینی جلالی، بی تا، ج ۱، ص ۶۰۵)
 برای نمونه های دیگر ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۴.

۲-۵. مناقب نویسی

اهل سنت هم کتاب هایی درباره نقل فضایل و مناقب اهل بیت نگاشته اند. از این کتاب های حدیثی در میان ایرانیان سنی مذهب در سده ششم، می توان از المختار فی مناقب الابرار تألیف ابن الاثیر الجزری شافعی (م ۶۰۶ق)، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام تألیف علی بن محمد الجلابی الشافعی البغدادی (ابن مغازلی) (م ۴۸۱ یا ۵۳۴ق) و المناقب تألیف ابوالمؤید الموفق بن احمد اخطب خوارزم الحنفی (م ۵۶۸ق) مشهور به مناقب خوارزمی نام برد. (ر.ک: بغدادی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ستون ۳ آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۷، ص ۱۷۰ و ج ۲۲، ص ۳۱۷ / حسینی جلالی، بی تا، ج ۱، ص ۱)

۳-۵. تفاسیر نقلی

از نگاه اهل سنت تفسیر روایی عبارت است از احادیث پیامبر و سخنان صحابه و تابعین که برای تفسیر آیات قرآن بیان شده است. از مهم‌ترین تفاسیر اهل سنت که در قرن ششم هجری نوشته شده، تفسیر معالم‌التنزیل تألیف ابی محمد حسین بن مسعود البغوی شافعی (م ۵۱۶ق) معروف به تفسیر بغوی به سبک روایی، ادبی، تاریخی، و زاد المسیر فی علم التفسیر تألیف ابی الفرج جمال‌الدین محمد الجوزی البغدادی (حنبلی)، به سبک نقلی ادبی است. (ر.ک: ایازی، ۱۳۷۱ش، ص ۵۴ و ۱۰۰)

با این‌همه، این آثار انسجام و انضباط شایسته کتاب‌های حدیثی را نداشته و با گسترش دامنه علوم، پاسخ‌گوی نیازهای عالمان و علاقه‌مندان به سنت نبوی نبودند. بنابراین تشنگی جامعه اسلامی و نیاز به کتاب‌های حدیثی سبب شد تا نویسندگان حدیث، پژوهش‌هایی را برای نظم‌دهی و آسان‌یابی حدیث آغاز کنند.

این پژوهش‌های حدیثی را می‌توان در محورهایی طبقه‌بندی کرد: پیدایی تألیفات جدید، شرح‌نویسی بر جوامع اولیه، تدوین جوامع فراگیر حدیثی، تألیف کتاب‌های اطراف، تخریج و...، بازشناسی احادیث جعلی و تألیف کتب موضوعات، توسعه و تکامل دانش‌های تکاملی حدیث. (معارف، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸)

۴-۵. شرح‌نویسی بر جوامع اولیه

از جمله کارهای ایرانیان اهل سنت در قرن ششم، شرح‌نویسی بر کتب حدیثی بوده است. در این زمینه شرح‌های نوشته‌شده عبارت‌اند از:

- النجاج فی شرح کتاب اخبار الصحاح (شرح صحیح بخاری) تألیف نجم‌الدین

ابوحفص عمر بن محمد نسفی^۴ (م ۵۳۷ق). (معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۸۰)

- شرح صحیح مسلم اثر ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن محمد اصفهانی (م ۵۲۰ق).

(همان‌جا).

- شرح مسند شافعی تألیف ابوالسعادات مبارک بن محمد ابن اثیر جزیری (م ۶۰۶ق).

(همو، ص ۱۷۸)

- شرح بر مسند ابی حنیفه تألیف علی بن حسن ابن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ق).

(همان‌جا/ سبجانی، بی تا، ج ۷، ص ۱۷۸)

- شرح النهج البلاغه تألیف امام فخرالدین الرازی المتوفی ببغداد سنة ۶۰۶. (آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۶۰)

۵.۵. جامع نگاری

جامع حدیثی کتابی است که مشتمل بر همه موضوعات و ابواب حدیثی باشد. از برخی مجموعه‌ها که از چند جامع تشکیل شده باشند، تعبیر به مجامع حدیثی شده است. بنابراین مقصود از جوامع، کتاب‌هایی است که با استفاده از کتب اصلی حدیث، از جمله صحاح سته، موطأ مالک و مسند احمد بن حنبل تدوین شده است. از قرن پنجم به بعد محدثان با استفاده مستقیم از تألیفات دوره قبل، جوامع حدیث بزرگی فراهم آوردند. این کتب به چند دسته تقسیم می‌شوند: نوعی از این تألیفات، عنوان عمومی «الجمع بین الصحیحین» دارند که در آن‌ها احادیث صحیحین یکجا جمع شده است. در این کتاب‌ها برای آسانی کار مجموع احادیث جوامع پیشین به شکل کامل یا ناقص و با حذف مکررات در یک جا جمع شده است. (دانش‌نامه جهان اسلام، ۱۳۸۴ش، ج ۹، ص ۳۴۶-۳۴۵) مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- جامع الاصول من احادیث الرسول تألیف ابن اثیر جزری (م ۶۰۶ق) (معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۱۸۸) که نخستین کتاب از جوامع ثانویه اهل سنت است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۰ش، ص ۴)

- الجمع بین الصحیحین اثر حسین بن مسعود بغوی (م ۵۱۶ق). (معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷۰)

- الجمع بین الصحیحین بحذف المعاد و الطریق تألیف ابونعیم عبیدالله اصفهانی (م ۵۱۷ق). (همان‌جا)

- الجمع بین الصحیحین تألیف ابو عبدالله محمد بن حسین بن احمد انصاری (م ۵۸۲ق). (همان‌جا)

از نوعی دیگر از این کتاب‌ها با عنوان «مجامع» یا «المصنفات الجامعة» یاد شده است. این جوامع با استفاده از مجموع یا برخی از صحاح سته، مسندها و سایر کتب حدیثی تدوین شده است. (دانش‌نامه جهان اسلام، ۱۳۸۴ش، ج ۹، ص ۳۴۷) اهم کتاب‌های نوشته‌شده توسط ایرانیان در سده ششم بدین قرار است:

- جامع المسانید و الاقبا ب تألیف عبدالرحمن بن علی معروف به ابن جوزی (م ۵۹۷ق). (معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۱۹۷)

- مصابیح السنة تألیف ابو محمد حسین بن مسعود بَعَوی فَرَاء (م ۵۱۶ق). (سبحانی، بی تا، ج ۶، ص ۹۳)

- شرح السنة تألیف ابو محمد حسین بن مسعود معروف به بَعَوی فَرَاء (م ۵۱۶ق). (همان جا)

از جوامع حدیث شیعه در قرن ششم کتاب الجامع فی الاخبار تألیف ابوالحسن علی بن ابی سعید (متوفی بعد از ۵۸۵ق) است. (آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۵، ص ۲۷)

نوع دیگر از این جوامع حدیثی، جوامع احادیث فقهی است. این احادیث از جوامع اصلی حدیثی استخراج و براساس ابواب فقه مدون می‌شوند. از این نوع کتاب، عمدة الاحکام من کلام خیر الانام تألیف عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی جماعیلی حنبلی (م ۶۰۰ق) است. (دانش‌نامه جهان اسلام، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۳۴۷)

۶-۵. مسندنویسی

مسندنویسی از شیوه‌های مهم نگارشی اهل سنت است. در این شیوه، مجموعه روایات هر صحابی از پیامبر خدا ﷺ اعم از روایات صحیح، حسن و ضعیف به دنبال نام او ذکر می‌شود. کتاب‌های مسند را به سبب وسعت و شمول احادیث می‌توان در زمره جوامع حدیثی محسوب کرد. (دانش‌نامه جهان اسلام، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۳۴۶) اما مسندها در مقایسه با دیگر مجموعه‌های حدیث از کتاب‌های درجه اول به شمار نمی‌آیند، زیرا مسندنویسان به نقد و پالایش احادیث از حیث صحت و ضعف چندان عنایتی نشان نداده‌اند؛ در نتیجه در این کتاب‌ها احادیث درست و نادرست با یکدیگر درآمیخته است. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۳۳)

بخشی از مسانید نگارش یافته توسط ایرانیان در قرن ششم عبارت‌اند از:

- جامع المسانید و الاقبا ب تألیف ابن جوزی حنبلی. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳)

- المسند من عوالمه تألیف عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی دمشقی حنبلی (م ۶۰۰ق). (همان، ص ۱۵۵)

- خصائص المسند اثر ابو موسی مدینی (م ۵۵۷). (معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۶۱)

-المسند تألیف محمد بن خسرو البلخی محدث حنفی (م ۵۲۳ق). (بغدادی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ستون ۸۵)

۷-۵. اطراف نگاری

اطراف جمع طرف است. طرف حدیث یعنی همان عبارت اصلی یا واژه‌های آغازین حدیث که نشان‌دهنده متن اصلی روایت است. مؤلفان این کتاب‌ها تنها بخش اصلی حدیث را می‌آوردند. بنابراین می‌توان گفت کتاب‌های «اطراف» در واقع حکم فهرست راهنما یا فرهنگ حدیث‌یاب را دارد و این فرهنگ‌ها از دو جهت سودمند است: یکی آنکه آگاهی بر اسانید حدیث‌ها را آسان می‌کند، زیرا تمام طرق را در یک جا فراهم آورده است؛ دیگر آنکه نشان می‌دهد از صاحبان مجموعه‌های حدیثی چه کسانی آن حدیث را نقل کرده و در چه بابی از کتاب خود آورده‌اند. (معارف، ۱۳۷۷، ص ۱۷۹) نام بخشی از این آثار نگاشته‌شده توسط ایرانیان سده ششم عبارت است از:

- اطراف الصحیحین اثر ابونعیم اصفهانی (م ۵۱۷ق). (همان‌جا)

- الاطراف السنن الاربعه اثر ابن عساکر (م ۵۷۱ق). (همان‌جا)

- اطراف الکتب الستة، اطراف الاحادیث مالک و المصباح فی اطراف احادیث المسانید الستة؛ هر سه کتاب اثر احمد بن طاهر مقدسی معروف به ابن قیسرانی (م ۵۰۷ق) است. (همان‌جا/ بغدادی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ستون ۸۲-۸۳)

۷-۶. تخریج نویسی

بسیاری از مؤلفان در تألیفات خود، احادیثی را آورده‌اند که فاقد سند بوده و مرجع آن نامشخص است. در این گونه موارد تشخیص روایات صحیح از ضعیف و جعلی کاری دشوار و غیرممکن است؛ از این رو محدثان به منبع‌شناسی این گونه روایات پرداخته و کتبی تألیف کرده‌اند که نام آن‌ها تخریج است. بنابراین تخریج به کتابی گفته می‌شود که منابع و مصادر احادیث کتاب دیگری را گرد آورده باشد. کتاب‌های تخریج ناظر به آثار گذشته و برای تکمیل آن‌ها بودند و به طور معمول برای مصدربابی احادیث کتاب‌های تفسیر، عقاید، اخلاق، اصول و... به کار می‌رود. (ابوزهو، ۱۳۷۸ق، ص ۴۴۸) در این زمینه، در بین عالمان ایرانی اهل سنت در قرن ششم می‌توان از کتاب تخریج احادیث المذهب تألیف ابی اسحاق شیرازی، اثر محمد بن موسی الحازمی الهمدانی شافعی (م

۵۸۴ق) (سبحانی، بی تا، ج ۶، ص ۳۱۶) و در بین ایرانیان شیعه از کتاب *قصص الانبیا* تألیف قطب‌الدین هبة الله راوندی نام برد که *تخریج کتاب النبوة* شیخ صدوق است. (رحمتی، ۱۳۸۹، ص ۴۸۴)

۹-۵. نگارش کتب موضوعات

کتاب‌های «موضوعات» گونه‌ای از تألیفات حدیثی‌اند که موضوع آن‌ها نقد و بررسی احادیث بر ساخته یا احادیثی است که درباره آن‌ها ادعای ساختگی بودن شده است. تا قبل از قرن پنجم تألیف مستقلی در این باب، وجود نداشت و محدثان بیشتر در کتاب‌های «علل» و کتاب‌هایی که در معرفی رجال ضعیف و کذاب می‌نوشتند، چنین احادیثی را گرد می‌آوردند. در این خصوص محدثان اهل سنت پژوهش‌های مفصلی انجام داده‌اند. اقدامات آنان در دو محور کلی صورت گرفته است: ۱. بررسی انگیزه‌ها و علل جعل حدیث، شناسایی راویان کذاب و تعیین معیارهایی برای تشخیص احادیث موضوعه؛ ۲. شناسایی و استخراج احادیث جعلی و طبقه‌بندی و تدوین آن‌ها در کتاب‌های مستقل. (ابوزهو، ۱۳۷۸ق، ص ۴۷۹-۴۸۷) نام بخشی از این آثار توسط ایرانیان سده ششم عبارت است از:

- *الموضوعات من الاحادیث المرفوعات* اثر ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن الجوزی (م ۵۹۷ق)؛ مشهورترین کتاب در این باب است. (همان، ص ۴۸۷)
- *الاباطیل و المناکیر و الصحاح و المشاهیر* تألیف حسن جوزکانی (م ۵۴۳ق). (همان‌جا)

- *تذکره الموضوعات* تألیف محمد بن طاهر مقدسی (م ۵۰۷ق). (همان‌جا)

۶. نگارش دانش‌های تخصصی حدیث

مقصود از دانش‌های تخصصی حدیث، علوم و اطلاعاتی است که در پرتوی آن‌ها وضعیت حدیث و روایت از جهات متن و سند مورد بررسی قرار می‌گیرد. این دانش‌ها بسیار متنوع و فراوان است و این موضوع یکی از محورهای مهم فعالیت محدثان ایرانی در سده ششم است. در این قسمت برخی از این علوم را نام می‌بریم.

۱-۶. غریب الحدیث نویسی

غریب الحدیث از علوم وابسته به حدیث است. در این نوع آثار سعی می‌شود تا

مفاهیم ناآشنا و دور از ذهن به کاررفته در احادیث، شرح و توضیح داده شوند. با اینکه تألیف در این زمینه سابقه‌ای دیرینه دارد، مهم‌ترین و جامع‌ترین آثار در این باره از قرن پنجم به بعد پدید آمدند. اهم این نوع حدیث‌نگاری در قرن ششم بدین قرار است:

- الفائق فی غریب الحدیث اثر ابوالقاسم جاراالله زمخشری (م ۵۸۳ق). (همان، ص ۴۷۶)

- النهایة فی غریب الحدیث و الاثر تألیف ابوالسعادات ابن اثیر جزری (م ۶۰۶ق) است.^۵ (همان جا)

- المجموع المغیث فی غریب القرآن و الحدیث تألیف محمد بن ابی بکر مدینی اصفهانی (م ۵۸۱ق). (همان جا)

- غریب الحدیث تألیف محمد بن علی ابن الدهان البغدادی (م ۵۹۰ق). (حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ق، ستون ۱۲۰۵)

- غریب الحدیث تألیف ابراهیم بن محمد النسوی (م ۵۱۹ق). (مسعودی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۲۷)

- غریب الحدیث تألیف عبدالغافر بن اسماعیل بن عبدالغافر الفارسی شافعی (م ۵۲۹ق). (همان، ص ۱۲۸)

- غریب الحدیث تألیف ابوشجاع محمد بن علی بن شعیب الدهان البغدادی (م ۵۹۰ق). (همان جا)

- غریب الحدیث تألیف ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (ابن الجوزی) (م ۵۹۷ق). (همان جا)

- التنبیه علی الالفاظ التي وقع فی نقلها و ضبطها تصحیف و خطأ فی کتاب الغریبین تألیف ابوالفضل محمد بن ابی منصور الناصر بن محمد الفارسی (م ۵۵۰ق) و نقد کتاب غریب الحدیث. (همان، ص ۱۲۹)

- هفوات الغریبین تألیف الحافظ ابوموسی محمد بن عمر المدینی الأصفهانی (م ۵۸۱ق). (همان جا)

۲-۶. کتب مختلف الحدیث

مختلف الحدیث علمی است که از جمع بین احادیث متناقض بحث می‌کند، به این صورت که بین آن احادیث را از راه تقييد مطلق یا تخصیص عام یا حمل آن دو حدیث بر تعدد حادثه یا... جمع کند. به این علم تأویل مختلف الحدیث یا تلفیق الحدیث نیز گفته شده است. (همان، ص ۴۷۱)

- التحقیق فی الاحادیث الخلاف تألیف ابی الفرج عبدالرحمن بن جوزی (م ۵۹۷ق). (همان، ص ۴۷۲)

- المختلف والمؤتلف فی الانساب اثر محمد بن احمد الایوردی (م ۵۰۷ق). (خولی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷۵)

۳-۶. کتب ناسخ و منسوخ

علمی است که درباره احادیثی بحث می‌کند که با هم مخالف‌اند و مخالفت آن‌ها در حدی است که توافق بین آن‌ها ممکن نیست، در این صورت احادیثی که تقدم صدورشان اثبات شود، منسوخ و احادیثی که متأخر از آن باشد، ناسخ شمرده می‌شوند. (ابوزهو، ۱۳۷۸ق، ص ۴۷۲-۴۷۳)

- الاعتبار فی الناسخ و المنسوخ تألیف ابوبکر حازمی همدانی (م ۵۸۴ق). (همان‌جا)
- الناسخ و المنسوخ اثر احمد بن طاهر مقدسی معروف به ابن قیسرانی (م ۵۰۷ق). (بغدادی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ستون ۸۲-۸۳)

۴-۶. نگارش کتب علل الحدیث

علم علل الحدیث از عیوب پنهان و پوشیده حدیث بحث می‌کند که بر حدیث عارض شده و صحت حدیث را خدشه‌دار می‌سازد. این عیب ممکن است در ناحیه سند یا متن حدیث یا هر دو قسمت باشد که به چنین حدیثی معلل گویند. (ابوزهو، ۱۳۷۸ق، ص ۴۷۸) محدثان ایرانی در قرن ششم به تألیف کتاب در باب علل پرداخته‌اند و از این گونه می‌توان کتاب *العلل المتناهیه فی الحدیث الواهیة* تألیف عبدالرحمن بن جوزی (م ۵۹۷ق) را نام برد. (ابن جوزی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸)

۷. تداوم نگارش بعضی از سبک‌های پیشین مشترک بین عالمان ایرانی شیعه و اهل تسنن در سده ششم

تالیفات گوناگون حدیثی، ترجمانی از تلاش‌های پیشوایان حدیثی دو مکتب شیعه و اهل سنت است. همچنین این تالیفات نمایانگر طرز فکر و دیدگاه نگارنده آن است. از این رو عالمان هر دو مکتب شیوه‌های نگارشی مختص خود را پدید آورده‌اند. در این میان تألیفاتی نیز از قرون نخست اسلامی مشترکاً در میان شیعه و سنی رواج داشته که مهم‌ترین آن‌ها در ادامه آمده است.

۷-۱. امالی نویسی

در اواخر قرن سوم هجری، شیوه‌ای در میان دانشمندان اسلامی ظهور کرد که آن را «فن امالی» نامیدند. امالی جمع املاست. امالی نویسی بدان نحو بود که شیخ حدیث اصول روایی و دفاتر حدیثی خود را که از مشایخش دریافت کرده بود، صرفاً در راستای انتقال آن‌ها به نسل بعد در قالب «املا» ارائه می‌داد و شاگردان هم احادیثی را که می‌شنیدند در قالب «استملا» در دفاتر خود ثبت می‌کردند. تا آنکه در نهایت، به صورت کتابی درمی‌آمد. این کتاب را امالی می‌خواندند. همچنین از آنجاکه استاد در برخی مجالس تدریس، درس‌ها را از حفظ یا از روی کتاب خود برای شاگردان بیان می‌کرد، به آن «المجالس» و «عرض المجالس» هم گفته می‌شود. در واقع قصد اصلی از این مجالس ارائه کتب و اصول روایی گذشتگان در یکی از قالب‌های تحمل حدیث، یعنی املا و استملا بوده است. امالی در قوت اعتبار و دوری از احتمال سهو و نسیان نظیر اصل است. (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۵) اهم این کتاب‌ها بدین قرار است:

- الامالی اثر ابوعلی حسن بن محمد طوسی (فرزند شیخ طوسی) (حسینی جلالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۸).

- الامالی اثر ابوالقاسم ابن عساکر (م ۵۷۱ق). (همان‌جا)

- الامالی اثر ابو محمد قاسم بن عساکر (م ۶۰۰ق). (همان‌جا)

- الامالی اثر ابوالخیر احمد بن اسماعیل قزوینی شافعی (م ۵۹۰ق). (همان‌جا)

- مجالس فی المواعظ اثر شیخ احمد بن محمد غزالی صوفی شافعی (م ۵۲۰ق).

(حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ق، ستون ۱۵۹۰)

- الامالی اثر احمد بن عبدالرحمن ابونصر بخاری حنفی (م ۵۱۸ق). (بغدادی،

۱۳۸۷ق، ج ۱، ستون ۸۲)

- الامالی فی الحدیث اثر احمد بن علی بن بدران ابوبکر حلوانی^۶ محدث (م

۵۰۷ق). (همان‌جا)

- مجالس خمسہ اثر حافظ ابوطاهر صدرالدین اصفهانی شافعی (م ۵۷۶ق). (همان،

ج ۱، ستون ۸۷)

- الامالی اثر محمد بن عبدالله سرخکی (از نواحی سمرقند)، حنفی (م ۵۱۸ق) (همان،

ج ۲، ستون ۸۴)

۲-۷. کتب نوادر

نوادر گونه‌ای از نگارش‌های حدیثی است که مؤلف در آن، روایات پراکنده‌ای را که

ذیل عنوان یک باب یا موضوع قرار نمی‌گیرد، جمع‌آوری می‌کند. (آقابزرگ تهرانی،

بی‌تا، ج ۲۴، ص ۳۱۶) نام بخشی از این آثار عبارت است از:

- النوادر تألیف فضل الله بن علی بن هبة الله الراوندی (زنده در سال ۵۴۸ق). (همان،

ج ۲۴، ص ۳۳۷)

- النوادر تألیف شمس الدین محمد بن حیدر شعیری سبزواری قرن ششم.

(حرعاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۱)

- نوادر المعجزات اثر سعید بن هبة الله راوندی. (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۲۴،

ص ۳۴۶)

- جواهر الاحادیث اثر ابو عبدالله الاقلیدی الفارسی الشافعی (م ۵۰۷ق). (بغدادی،

۱۳۸۷ق، ج ۲، ستون ۸۱)

۳-۷. تاریخ‌نگاری

تدوین فرهنگ و معارف اسلامی با آغاز طلوع اسلام همراه است. تاریخ‌نگاری نیز به

صورت ثبت و نقل حوادث و رویدادها به طور پراکنده، از همان آغاز مرسوم شده بود.

روایاتی که درباره سیره نبوی و نیز حوادث تاریخ اسلام در چنین کتبی نقل شده تحت

تأثیر عقاید گوناگون سیره‌نویسان و وقایع‌نگاران بوده و به قدرت ادراک و تسلط آن‌ها

بستگی داشته است، به علاوه گرایش‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی نیز در این عمل بی‌تأثیر نبود. (مرتضی عاملی، ۱۳۸۱، ص ۲۰) اختلاف نقل‌ها و روایات تاریخی و اختلاط آن‌ها با دیگر معارف اسلامی مانند رجال، تفسیر و انساب، پژوهشگران را ناگزیر می‌سازد که کتب تاریخی را در سه بخش کتاب‌های حدیثی تاریخی، رجالی تاریخی و کلامی تاریخی بررسی کنند.

۱-۳-۷. کتاب‌های حدیثی تاریخی

می‌دانیم که حدیث و تاریخ ارتباط نزدیکی داشته‌اند. مسلمانان از صدر اسلام، اخبار مربوط به سنت، سیره، اقوال، افعال و معجزات رسول اکرم ﷺ و شرح احوال نیاکان و قبیله او و اخبار کعبه و مکه و احوال اولاد و اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب و کاتبان وحی و... آن حضرت را برای هم روایت می‌کردند و این کار را از مقوله عبادت و حفظ شعائر دین می‌شمردند. اخبار انبیا و امام پیشین نیز که اطلاع بر آن‌ها برای هر مسلمان لازم بود، ضبط و روایت می‌شد. کتاب‌های تاریخی حدیثی به چند دسته تقسیم می‌شود: سیره، مغازی، وقایع‌نگاری، مقاتل و تاریخ‌نگاری عمومی. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۹۶-۹۸) آیات قرآن و تعالیم نبوی و رهنمودهای ائمه علیهم‌السلام به خصوص امام علی علیه‌السلام بیشترین تأثیر را در شیعیان برای تألیف چنین آثاری با هدف مبارزه با بدعت‌ها و انحراف‌ها و ارائه اسلام از منظر اهل بیت به وجود آورد. (همو، ج ۶، ص ۱۲۴) کتاب‌های حدیثی مناقب‌نگاری نیز نوعی تاریخ‌نگاری است. (جعفریان، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۴) نام بخشی از این آثار که ایرانیان در سده ششم پدید آورده‌اند، عبارت است از:

- *قصص الانبیا* تألیف شیخ قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق) در سیره و مغازی پیامبر (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۱۲۸) و *عیون صحاح الاخبار* اثر ابوالحسین یحیی بن سعید حلّی مشهور به ابن بطریق (م ۶۰۰ق) (حسینی جلالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۲۲) اثر عالمان شیعه و کتب؛

- *الانوار فی شمائل النبی المختار* تألیف حسین بن مسعود بن محمد بن فراء بغوی شافعی (م ۵۱۶ق) (حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ق، ستون ۱۹۵)، *المنتظم فی تاریخ الأمم*، لأبی الفرج: عبدالرحمن بن علی بن الجوزی بغدادی (م ۵۹۷ق) (همان، ج ۲، ص ۱۸۵) و

ربیع‌الابرار و نصوص الاخبار تألیف زمخشری (م ۵۳۸) (حسینی جلالی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۹) از تألیفات عالمان اهل سنت.

۲-۳-۷. کتاب‌های رجالی تاریخی

دانش رجال یکی از شعب مهم تاریخ است. علم رجال به مثابه روشی برای معرفت درجه و ثوق راویان حدیث پدید آمد. کتب طبقات، رجال و فهرست‌نگاری بخشی از آثار تاریخ‌نگاری مسلمانان را شکل می‌دهد. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۱۳۲)

فهرست‌نگاری کتاب‌ها و رساله‌های حدیثی و معرفی بزرگان شیعه، از جمله مباحثی بود که در سده ششم مورد توجه اندیشمندان شیعه قرار گرفت. ریشه این توجه را باید در هجوم فرهنگی مخالفان به شیعیان دید. مخالفان که در گذشته همواره از فشارهای سیاسی و حکومتی برای سرکوب شیعه سود می‌جستند، با ایجاد شبهات فرهنگی، سعی در مقابله با شیعیان داشتند. یکی از اشکالاتی که مخالفان بر شیعیان وارد می‌کردند آن بود که شیعیان گروهی بی‌ریشه‌اند و پیشینه‌ای ندارند. در پاسخ‌گویی به این شبهه، شیخ مفید، سردمدار دفاع از ارکان تشیع، به شاگردان خود توصیه کرد که نگاهی علمی شیعی را فهرست کنند و برای آگاهی دیگران آن‌ها را منتشر کنند تا پیشینه علمی شیعیان بر دیگران روشن شود. بنا بر این توصیه، نویسندگان اسامی حدیث‌نگاران شیعه را جمع‌آوری کرده و وثاقت آن‌ها را بررسی کرده‌اند، همچنین اسامی کتاب‌های آنان و طریق خود در استفاده از آن کتاب‌ها را نیز یاد کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۴۲ و ۴۳) کتاب *الفهرست اثر منتجب‌الدین و معارف العلماء* اثر ابن شهر آشوب را می‌توان تاریخ فرهنگی شیعه از آغاز تا اواخر سده ششم دانست. نام بخشی از آثار ایرانیان در سده ششم عبارت‌اند از:

- *معارف العلماء* تألیف ابن شهر آشوب ساروی مازندرانی (م ۵۸۸ق). (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۶)

- *فهرست الاسماء* تألیف منتجب‌الدین علی بن عبدالله بن بابویه (م ۵۸۸ق). (همان، ج ۲، ص ۱۹۴)

- *رجال الحدیث* تألیف یحیی بن عبدالوهاب بن منده اصفهانی (م ۵۱۱ق). (خولی،

۱۴۰۸ق، ص ۲۵۵)

- کتب الضعفا تألیف ابی الفرج عبدالرحمن ابن جوزی (م ۵۹۷ق). (همان جا)
- طبقات حنبلیه اثر قاضی ابی یعلی حنبلی بغدادی (م ۵۲۶ق). (حاجی خلیفه،
۱۳۸۷ق، ستون ۱۰۹۷)

- معجم الشیوخ اثر احمد بن منصور الکاظمی شافعی (م ۵۷۸ق). (بغدادی،
۱۳۸۷ق، ج ۱، ستون ۸۸)

و سایر آثار. (خولی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۵۵ و ۲۶۹ / حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ق، ستون ۱۱۰۴،
۱۱۰۵، ۱۱۰۸ و ۱۰۹۷ / بغدادی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ستون ۸۷، ج ۲، ستون ۲ و ۸۳)

۳-۳-۷. انساب‌نگاری

انساب‌نگاری به عنوان شاخه‌ای از تاریخ‌نگاری ارتباطی تنگاتنگ با سایر علوم مانند حدیث، رجال، فقه و حقوق دارد. این علم از ابتدا در بین مسلمانان از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار بوده و همزمان با اولین مکتوبات مسلمانان آثاری در این زمینه از تاریخ‌نگاری نوشته شده است. این آثار بر محور شرح قبایل و افراد که متضمن آگاهی‌های تاریخی بود آغاز شد. و از سده سوم به بعد آثار فراوانی درباره تبارنامه علویان و انساب و اعقاب علویان که اغلب به قلم سادات علوی با انگیزه حق‌خواهی و منازعات سیاسی بود تألیف شد. بیشتر این کتاب‌ها علاوه بر یاد از نسب، مشتمل بر مطالب تاریخی نیز هستند. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۱۳۱)

نام بخشی از آثار ایرانیان که در سده ششم تألیف شده عبارت است از: لباب الانساب و الالتاب و الاعتاب تألیف علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق (م ۵۶۰ق) و امامی مذهب (امین، سید حسن، بی تا، ج ۶، ص ۱۸۷) و کتاب الانساب تألیف ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی (م ۵۶۲ق). (سبحانی، بی تا، ج ۶، ص ۳۱۴)

۱-۱-۳-۷. تاریخ اهل البیت

شیعیان تألیفاتی در شرح حال دوازده امام داشته‌اند. از تألیفات ایرانیان شیعه در قرن ششم می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین تألیف محمد بن حسن فتال نیشابوری (م ۵۰۸ق) حاوی تاریخ پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ و مناقب آنان. (دانشنامه جهان اسلام،

۱۳۸۴، ج ۶، ص ۱۲۸)

- اعلام‌الوری تألیف امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق) که بخش اول آن در سیره پیامبر ﷺ و زندگی فاطمه زهرا علیها السلام و بخش‌های سه‌گانه بعدی در زندگانی دوازده امام علیهم السلام است. و کتاب تاج‌الموالید طبرسی نیز به ذکر ولادت و وفات چهارده معصوم اختصاص دارد. (همان، ج ۶، ص ۱۲۸)

- تاریخ‌الائمه تألیف ابومنصور احمد بن ابی طالب طبرسی صاحب‌احتجاج. (همان، ج ۶، ص ۱۲۸)

- الخرائج و الجرائج قطب‌الدین سعید بن هبة الله راوندی (م ۵۷۳ق) در بیان سیره و معجزات پیامبر ﷺ و دوازده امام علیهم السلام است. (همان، ج ۶، ص ۱۲۸)

۴-۳-۷. تاریخ‌های محلی

تواریخ محلی که در تمدن اسلامی نگاشته شده، بخش عمده آن شرح حال رجال شهرهاست. حجم فراوانی از آثار مورخان شیعی تاریخ محلی بوده است. این کتاب‌ها درباره مکه و مدینه و مراکز شیعه‌نشین مانند کوفه و قم و ری که سده‌های متمادی پایگاه مهم فعالیت اخباریان و محدثان و فقهای شیعه بوده، نگاشته شده است. (همان، ج ۶، ص ۱۳۰) مهم‌ترین این آثار که در سده ششم توسط ایرانیان نگاشته شده عبارت‌اند از:

- تاریخ ری اثر منتجب‌الدین رازی (م ۵۸۸ق) صاحب‌الفهرست. (حسینی جلالی، بی تا، ج ۱، ص ۵۵۴)

- تاریخ بیهق مؤلف ابوالحسن علی بن زید بن محمد بیهقی (م ۵۶۵ق) معروف به ابن فندق. (آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۱۸، ص ۲۷۷)

نگاشتن تواریخ محلی در سده ششم در میان علمای اهل سنت ایرانی هم رواج داشته است؛ نمونه این آثار عبارت‌اند از:

- التذوین فی اخبار قزوین تألیف ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد عبدالکریم رافعی قزوینی (م ۶۲۳ق) اثری رجالی در احوال علمای قزوین. (سبحانی، بی تا، ج ۷، ص ۱۲۷)

- تاریخ دمشق تألیف ابن عساکر (م ۵۷۱ق). (حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ق، ستون ۱۳۵۶)

- القند فی تاریخ سمرقند تألیف نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی سمرقندی (م

۵۳۷ق). (همان، ج ۲، ص ۱۳۵۶)

- تاریخ ابیورد اثر محمد بن محمد ابیوردی (م ۵۰۷ق). (همان، ج ۱، ص ۲۸۱)

۵-۳-۷. کتاب‌های تاریخی کلامی

بخشی از تألیفات کلامی شیعه به تناسب اهمیتی که بحث‌های مربوط به امامت در میان شیعه داشت، به بحث از تاریخ کشیده شده است. بحث‌های امامت شامل دو بخش است: بخشی عقلی که مطالبی در اثبات ضرورت وجود امام و لواحق آن است و بخش دیگر که مباحثی تاریخی در اثبات وجود نص، دلیل عدم اعتماد دیگران به نص، و نیز در انتقاد از صحابه عرضه می‌کند. کتاب‌هایی که در شکل‌گیری فرق شیعی نگاشته شده به نوعی حاوی بحث‌های کلامی تاریخی است. کتاب الاحتجاج طبرسی نیز در شمار این کتاب‌هاست و آگاهی‌هایی درباره زندگی امامان در آن آمده است. (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲)

۸. نیم‌نگاهی به حوزه‌های حدیثی ایران در قرن ششم

در سده ششم حوزه‌های حدیثی فراوانی در گوشه‌کنار سرزمین‌های اسلامی وجود داشت. تعدد و تنوع این حوزه‌های حدیثی، مرهون گستردگی جغرافیای مناطق اسلامی و تلاش عالمان و حدیث‌پژوهان در شهرهای گوناگون بود. هر مقدار شهر گسترده‌تر و تعداد مسلمانان ساکن در آن بیشتر می‌شد، حوزه حدیثی آن شهر نیز قدرتمندتر می‌شد. (طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳) با توجه به گستره جغرافیایی ایران در عهد سلجوقیان که اکثر مناطق اسلامی را دربرمی‌گرفت، می‌توان گفت که اکثر حوزه‌های حدیثی در سرزمین‌های ایران قرار داشته است. در سده ششم حوزه‌های حدیثی در ایران عبارت بود از:

منطقه ایران شامل حوزه‌های خراسان بزرگ (خراسان کنونی، سمرقند، گش و نیشابور)، حوزه جبل (طبرستان و قزوین)، حوزه مرکزی (قم، ری، کاشان و همدان) و حوزه جنوب (اهواز و فارس).

منطقه عراق شامل حوزه‌های بغداد و کوفه.

منطقه شامات شامل حوزه‌های مصر، شام و حلب (همان، ص ۱۲۴) که حوزه مصر در سده ششم جزو کشور ایران نبوده است.

۱-۸. حوزه خراسان

خراسان منطقه‌ای بزرگ در شرق سرزمین‌های اسلامی است. خراسان آن روزگار، علاوه بر خراسان موجود در زمان ما، کشورهای شرق دریای خزر، قسمتی از افغانستان و بخشی از کشورهای آسیای میانه را نیز دربرمی‌گرفت. بیشتر مناطق خراسان محل سکونت اهل تسنن بود و حوزه‌های حدیثی سنی نیز در آن دیار پررونق بود. شیعیان در بعضی از شهرهای خراسان، همانند سبزوار، اکثریت داشتند و در شهرهای دیگر نیز رابطه خوبی با اهل سنت داشتند. (همان، ص ۱۲۴)

افرادی با القاب سرخسی، هروی، مروزی، بلخی، بیهقی و... در این دوران بوده که در حوزه خراسان تحصیل و تدریس می‌کرده‌اند، ولی شهر آنان حوزه حدیثی نداشته است. مثلاً منطقه بیهق، به‌ویژه سبزوار، منطقه‌ای شیعه‌نشین بوده ولی گزارش معتبری از حوزه حدیثی شیعه دوازده‌امامی در این دیار در دست نیست. نکته مهم این است که شماری از راویان منطقه خراسان، به تفکر غالبی متهم هستند. (همان، ص ۱۲۸)

۲-۸. حوزه طبرستان و دیلم

به دلیل کوهستانی بودن منطقه طبرستان و فاصله زیاد آن با شام و بغداد، بسیاری از سادات و شیعیان فراری از حکومت، به این منطقه مهاجرت کردند که حضور عالمان و سردمداران زیدیه در این دیار شاهی بر این مدعاست. چون طبرستان در مسیر حرکت شیعیان به سمت خراسان بود، بنابراین حوزه‌های حدیثی در آمل، گرگان و... تأسیس شد. گرگان (جرجان) نیز منطقه‌ای بوده است که عالمان فراوانی داشته که با وصف جرجانی در اسناد و کتاب‌های رجال یاد شده‌اند. (همان، ص ۱۲۸ و ۱۲۹)

۳-۸. حوزه ری

در قرن ششم شیعیان ری، گروهی بانفوذ و رو به پیشرفت بوده‌اند؛ هرچند اکثریت مردم و عالمان این دیار سنی بودند. برخی عالمان از شهرهایی چون کوفه به این شهر مهاجرت کرده‌اند. حضور حضرت عبدالعظیم حسنی در ری (قرن سوم) و مدفن آن بزرگوار، سبب ترویج فرهنگ شیعی در این شهر شد. نزدیکی ری به قم موجب ارتباط بین عالمان این دو شهر بود. اگرچه مدرسه حدیثی قم بسیار مهم‌تر بود و بر حوزه حدیثی ری بیشتر تأثیر داشت، آزادی عمل در ری باعث شد برخی از تبعیدیان قم به

این شهر هجرت کنند. از این رو برخی از افراد محدثِ ری، به غلو متهم شدند و برخی نیز با این اتهام از قم به ری مهاجرت کردند. سیطرهٔ آل بویه بر ری و به قدرت رسیدن وزیران دانشمندی همچون صاحب بن عبّاد، موجب رواج فرهنگ شیعی در این شهر شد. (همان، ص ۱۳۰ و ۱۳۱)

در سدهٔ ششم مبادلات حدیثی بین شیعه و اهل سنت نیز دیده می‌شود و نگاشته‌های حدیثی حساسیت کمتری نسبت به موضوعات فرقه‌ای دارند و مؤلفان شیعی از متون حدیثی اهل سنت استفاده کرده‌اند و برخی از نویسندگان اهل سنت نیز این روش را پی گرفتند. نقل روایات اهل سنت در کتاب‌هایی همچون *مجمع البیان*، *مکارم الاخلاق* و *مشکاة الانوار* فراوان یافت می‌شود. (همان، ص ۱۴۰)

نتیجه‌گیری

قرن ششم همزمان با دورهٔ رکود دانش‌های حدیثی شیعه شناخته شده است، اما رکود در حدیث شیعه به معنای یکسره کنار نهادن احادیث نیست بلکه در این مدت طولانی، نگارش‌های تخصصی در موضوعاتی مانند فقه، رجال و ادعیه پدید آمد و دانشمندان، کتاب‌های متعددی در بحث دعا، فقه و رجال نوشتند. شرح‌نویسی بر کتاب *نهج‌البلاغه* نیز در این دوره از تاریخ رایج شد.

سبک‌های نگارشی این دوران در میان شیعه شامل اربعین‌نگاری، مناقب‌نویسی و فضایل‌نگاری ائمه و کتاب‌های دعا و مزارنویسی و تداوم برخی سبک‌های دوره‌های پیشین است.

قرن ششم در میان اهل سنت، دورهٔ پردازش‌های تکمیلی و جانبی کتاب‌های حدیثی است. در این مرحله اطراف‌نگاری، تخریج‌نویسی و کتاب‌های فراگیر (جامع‌نویسی) و مرتب‌سازی کتاب‌های پیشینیان رواج داشته است.

در این دوره، غریب‌نویسی و نوشتن تفاسیر روایی رواج داشته است. سبک‌های غریب‌نویسی، شرح‌نویسی بر متون دینی و امالی‌نویسی بین عالمان اهل سنت و عالمان شیعه مشترک است.

مقصود از سبک نگارشی، شناخت قالب‌های ازپیش‌تعیین‌شدهٔ مؤلفان و مصنفان در چنین احادیث به هنگام ارائهٔ آن‌ها و به تعبیر دیگر شناخت شیوهٔ نگارشی حدیث‌نگار

است.

در سده ششم در ایران، حوزه‌های حدیثی متعددی فعال بوده‌اند. بیشتر مناطق خراسان محل سکونت اهل تسنن بود و به همین دلیل حوزه‌های حدیثی سنی نیز در آن دیار پر رونق بود. شیعیان فقط در بعضی از شهرهای خراسان، همانند سبزوار، اکثریت داشتند. همچنین حوزه ری به دلیل نزدیکی به قم و آزادی عمل در ری، محل فعالیت بسیاری از محدثان شیعه بوده است. مبادلات حدیثی بین شیعه و اهل سنت در سده ششم دیده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. آبخاز از نواحی تفلیس، ناحیه‌ای در کوه‌های صعب‌العبور بوده است که گروهی از نصارا در آنجا زندگی می‌کردند. (یاقوت حموی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۸۵)
۲. اوزکند شهری بسیار خوش‌ابوها از نواحی فرغانه در ماوراءالنهر. (همان، ج ۱، ص ۳۳۳)
۳. کاشغر از نواحی ترکستان است که به آن کاجغر هم می‌گفتند. (همان، ج ۴، ص ۴۸۵)
۴. نصف همان نخشب در جنوب سمرقند و نرسیده به رود جیحون است.
۵. ابن اثیر جزیری از اهالی جزیره ابن عمر در نزدیکی شهر موصل در عراق و جنوب خاوری ترکیه امروزی است.
۶. حلوان نام قدیم شهر سر پل ذهاب است.

منابع

۱. ابوزهو، محمد، *الحدیث والمحدثون*، قاهره: دار الفکر العربی، ۱۳۷۸ق.
۲. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی‌طالب*، قم: چاپ هاشم رسولی محلاتی، بی‌تا.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن، *تحقیق المیس*، خلیل، *العلل المتناهیة فی الحدیث الواهیة*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق.
۴. اسکندری‌فرد، زهرا، «بررسی و تبیین وضعیت شیعیان امامیه و اسماعیلیه در دوره سلجوقیان»، *چکیده مقالات همایش فرهنگ و تمدن ایران در دوره سلجوقیان*، آبان ۱۳۹۱.
۵. اصغرپور، حسن، «درآمدی بر مناقب نگاری اهل بیت (علیهم‌السلام)»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، شماره ۴۵-۴۶، ص ۲۶۵-۲۹۸، ۱۳۸۶ش.
۶. افندی اصفهانی، عبدالله، *تعلیقه أمل الآمل*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا.

۷. امین، سید حسن، مستدرکات اعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.
۸. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.
۹. ایازی، سید محمد علی، آشنایی با تفاسیر قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. _____، سیر تطور تفاسیر شیعه، قم: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. بروجردی، حسین، منابع فقه شیعه ج ۲۲، ترجمه مهدی حسینیان قمی و محمدحسین مهوری، تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. بروجردی، مصطفی، «نگاهی به شرح‌های نهج البلاغه»، فصلنامه قیاسات، شماره ۱۹، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۷ ق.
۱۴. ترمذی، محمد، السنن، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، قاهره: بی نا، ۱۳۵۷ ق/۱۳۳۸ م.
۱۵. آقابزرگ تهرانی، محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، تهران: کتابخانه اسلامی، بی تا.
۱۶. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، قم: ناشر انصاریان، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. _____، مقالات تاریخی، قم: انتشارات دلیل، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. _____، _____، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۷ ق.
۲۰. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: بی نا، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۰ م.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، أمل الآمل، نجف اشرف: مکتبه الأندلس - بغداد، بی تا.
۲۲. حسینی جلالی، سید محمدحسین، فهرس التراث، قم: انتشارات دلیل ما، بی تا.
۲۳. خولی، محمد عبدالعزیز، تاریخ فنون الحدیث النبوی، دمشق بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق.
۲۴. دبیری نژاد، بدیع الله، «سلاجقه و گسترش ادب فارسی»، نشریه چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، تیر و مرداد ۱۳۸۴ ش، شماره ۱۷، ص ۵۷-۶۰.
۲۵. دانش‌نامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بی نا، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. دایرةالمعارف تشیع، تهران: ناشر سعید محبی، ۱۳۷۳ ش.
۲۷. رحمتی، محمد کاظم، تاریخ حدیث شیعه در سده‌های چهارم تا هفتم هجری، قم: نشر دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.
۲۸. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.
۳۰. سازمان نقشه‌برداری کشور، طرح اطلس ملی ایران، ناشر: سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۴.
۳۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق و تصحیح علی امیر غفاری، قم: جامعه

- مدرسین، ۱۳۶۲.
۳۲. صفار، محمد، *بصائر الدرجات*، تهران: بی‌نا، ۱۴۰۴ق.
۳۳. طباطبایی، سید عبدالعزیز، *أهل البيت عليهم السلام في المكتبة العربية*، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۷ق.
۳۴. طباطبایی، سید محمدکاظم، *تاریخ حدیث شیعه ۲*، تهران: دارالحدیث، ۱۳۹۱ش.
۳۵. _____، *مسنندنویسی در تاریخ حدیث*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۳۶. طبرانی، سلیمان، *المعجم الكبير*، به کوشش حمدی بن عبدالمجید سلفی، موصل: بی‌نا، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۳م.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی (ط- القدیمة)*، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۳۸. عاشوری تولوکی، نادعلی، «سنت اربعین نویسی و نسخه‌ای شریف در شرح چهل حدیث»، *فصلنامه دانشکده الهیات و معارف مشهد، مشهد*، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۶۵ و ۶۶، ص ۱۷۰.
۳۹. غلامعلی، مهدی، *سبک شناخت کتاب‌های حدیثی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸ش.
۴۰. محمدی ری‌شهری، محمد، «موسوعه‌های حدیثی و نیازهای امروز»، *فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۲۱، ص ۴.
۴۱. مرتضی، عاملی سید جعفر، «تاریخ و تاریخ‌نگاری»، *مجموعه مقالات تاریخ اسلام*، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱ش.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه وفا، ۱۴۰۳ق.
۴۳. مسعودی خمینی، عبدالهادی، *در پرتو حدیث*، قم: نشر دارالحدیث، ۱۳۹۱ش.
۴۴. _____، *درسنامه فهم حدیث*، قم: نشر دارالحدیث، ۱۳۸۹ش.
۴۵. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا، بی‌تا.
۴۶. معارف، مجید، *جوامع حدیثی اهل سنت*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳ش.
۴۷. _____، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران: کویر، ۱۳۷۷ش.
۴۸. موسوی‌نژاد، سید علی، «کتاب‌های حدیثی منتشر شده از زیدیه ۲»، *علوم حدیث*، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۲۹، ص ۱۵۸-۱۳۲.
۴۹. مه‌ریزی، مهدی و علی صدراپی خویی، «ابن‌ابی‌الفوارس رازی، اربعون حدیث فی فضائل امیرالمؤمنین عليه السلام»، چاپ رضا قبادلو (محمدی)، *میراث حدیث شیعه*، دفتر ۵، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث، ۱۳۷۹ش.
۵۰. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.



سازمان نقشه‌برداری کشور، طرح اطلس ملی ایران، ۱۳۸۴